

## مقدمه

می‌توان گفت: «هنر ما در زیبایی و زیبایی مولود هنر است.»

انسان طبیعتاً به زیبایی گرایش دارد و کمال خود را در زیبایی می‌داند. این دقیق‌ترین توجه او به حقیقت است. زیرا حقیقت و حق، زیباترین پدیده‌ی کائنات است. آن‌چه که موجب خطای انسان می‌شود، ابهام و ابهام در تطبیق حقیقت با واقعیت است. این زمانی حاصل می‌شود که آدمی هر واقعیتی را به غلط حقیقت بداند. چنین اشتباه بزرگی گاهی به‌طور ناخودآگاه و بر اثر غفلت گریبان او را می‌فشارد. زیرا انسان بر حسب تکرار و عادت محکوم پردازش داده‌های

محور اصلی آموزش‌های آموزش و پرورش مدرن، استفاده از ابزار «هنر» است؛ ابزاری که اهمیت خود را در فرهنگ‌سازی به‌خوبی نشان داده است.

واژه‌ی هنر، زیبایی و جمال را تداعی می‌کند؛ به گونه‌ای که همه‌ی اصول هنر در بنای زیبا و زیبایی خلاصه شده است و توسعه‌ی زیبایی، همه‌ی مفهوم هنر را فرامی‌گیرد. آفرینش نیز سراسر هنر خداوند است، زیرا خداوند جمیل است و جز جمال خلق نمی‌کند.

بنابراین در تعریف اختصاری کلمه‌ی طبیعی هنر

رشد آموزش



شماره ۱  
دوره هفتم  
پاییز ۱۳۸۸

۴۸



# فرهنگ‌سازی و هنر

شهناز جهانیان / تهران

مجله علمی و مطالعات فرهنگی  
سال پنجم علوم انسانی

حواس پنج‌گانه‌ی خود است و همه‌ی وقایع را از این ورودی‌ها دریافت می‌کند. درحقیقت همه‌چیز را با چشم و گوش سر می‌گیرد، در حالی که همه‌ی این‌ها، دریافت واقعیات هستند و نه الزاماً ادراک حقایق.

ادراک حقایق علاوه بر حواس خامسه، باید که با چشم و گوش سر نیز پردازش شود تا انسان معنای زلال حقیقت حق را استدراک کند و در تأیید همین نامرادی انسان است که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «الهی ما عرفتك حق معرفتک.»

**شوینهاور** در تعریف هنر می‌گوید: «هنر نوعی رستگاری است. ما را از خواستن، یعنی درد و رنج، آزادی می‌بخشد و تصاویر زندگی را دل‌ربایی می‌دهد.» در تمجید هنر، **تولستوی** می‌گوید: «هنر خوب است، اگر احساسات خوب را ترویج کند. احساسات هنگامی خوب‌اند که شعور ممیز نیک و بد، به خوبی آن‌ها حکم دهد و این شعور، در میان مردم یک عصر مشترک است. هنر جهانی، یک محک درونی دارد، پابرجا و بی‌خطا؛ یعنی همان وجدان پاک.»

با تأمل در گفتار این دو فرزانه‌ی اندیشمند و متفکرین بزرگ این نکته‌ی اساسی را درمی‌یابیم که به نظر می‌رسد، هنر ترجمان شعور انسان و برآمده و فرایند اندیشه‌ی پاک از فطرت الهی انسان است. درواقع انسانی که سخن‌گوی خداوندگار خویش بوده است، در مقام خلافت او، می‌نگارد، می‌گوید، ترسیم می‌کند، می‌نوازد و... تکامل باید هدف اولیه‌ی همه‌ی هنرمندان حقیقی باشد.

اگر ما در آثار هنرمندان بزرگ دنیا تأمل و ژرف‌اندیشی کنیم، درمی‌یابیم که همه‌ی هنرمندان در همه‌ی زمینه‌های هنری و در اوج هنر و شاهکارهای خود، انگار که اعضای یک کنسرت الهی هستند و سمفونی توحید را می‌نوازند. این معنا در بیانی دیگر از **بتهوون**، این نابغه‌ی هنر موسیقی آمده است که می‌گوید: «هنر و دانش، برگزیده‌ترین و بزرگوارترین مردم را به هم مربوط می‌سازند.»

و اما در بیان نقش هنر در تربیت و کارکردهای آن

نیز کلام را با مطلبی دیگر از بتهوون ادامه می‌دهیم که می‌گوید: «هنرمند، باید به سعادت بیچارگان اختصاص یابد.»

با توجه به این گفتار، ضرورت کاربرد هنر برای تربیت جوامع بشری و هدایت انسان‌ها، و موضوع رسالت هنر در تکامل انسان، خود مبین تقدس و کرامت هنر و انسان است؛ انسانی که اولین قبله‌ی فرشتگان مقرب درگاه الهی است و نیز انسانی که حرمتش از حرمت کعبه والا تر است. بنابراین در تربیت این موجود الهی، باید دقیق‌ترین و بهترین شیوه‌های هدایتی و تربیتی اعمال شود.

در «قرآن کریم» پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، آیات فراوانی داریم. اما آن‌چه بیش از همه در روح این آیات تجلی می‌کند، حیای خداوند نسبت به انسان است. خداوند در آیات از همه‌ی منهیات و مسائل مکروه و منفی، به لفظ «منکر» تعبیر کرده است. زیرا منکر در لغت به شیئی نامعلوم و ناشناخته گفته می‌شود و بیان مصداق منکر، خود نیز امری منکر است. از آن‌جا که خداوند در برابر خلیفه‌ی خود در زمین، بنای ترویج منکر به دست انسان را نداشته و برعکس، امر به معروف کرده است، از همه‌ی موارد انسداد کمال انسان، به لفظ منکر بسنده نموده است. این از شاهکارهای عظیم هنری و معنوی تربیتی در قرآن است.

از این آیات استنباط می‌کنیم که برای امحای منهیات و نقاط منفی در تربیت انسان‌ها، تنها دفع مسائل منفی کافی نیست، بلکه باید در رفع آن‌ها کوشید و در مواردی به‌جای پیشگیری، به انعدام آن اقدام کنیم و به‌جای ملاحظه‌ی قافیه، به انهدام قیافه پردازیم.

در عصر فناوری می‌توانیم بهترین کاربردهای هنری را در تربیت اعمال کنیم؛ کاربرد هنرهای تصویری و نمایشی در مدارس و درواقع هدایت هنری غیرمستقیم به‌جای هدایت مخاطبه‌ای و گفتاری مستقیم. در قرآن کریم درباره‌ی پرهیز از کاربرد هدایت گفتاری و خطابه‌ای، خداوند متعال به پیامبرش **محمد مصطفی (ص)** که دارای خلق عظیم بود، می‌فرماید: «فذكر ان نفعت الذکری.» ای

## هنر

### ترجمان شعور

### انسان

### و برآمده و فرایند

### اندیشه‌ی پاک

### از فطرت الهی

### انسان است

## در حقیقت هنر برای نیل انسان به آمال الهی است

پیامبر، اگر تذکر تو سودی دارد (تأثیر دارد)، تذکر بده؛  
[والا تذکر هم نده.]

اساساً نیز، قبول حقایق از طریق تصویری و دیداری،  
در عامه‌ی مردم و جوامع نتیجه‌ی بهتری دارد. به قول  
معروف: «شنیدن کی بود مانند دیدن؟» و به قول چینی‌ها:  
«یک عکس، ارزش ده هزار کلمه را دارد.»

نمونه‌هایی از این شیوه را در زندگی و بیانات پیشوایان  
و ائمه‌ی دینی هم داریم.

**امام زین‌العابدین (ع)** می‌فرمایند: «**کونوا دعاه  
للناس بغیر السننکم.**» مردم را بدون زبان، به اسلام و  
خوبی‌ها دعوت کنید.

در تاریخ آمده است که روزی **امام حسن و امام  
حسین** (علیهما السلام) در دوران کودکی در محلی به  
اشتباه پیرمردی در وضو گرفتن پی‌بردند. برای این که او  
را متوجه اشتباه خود کنند، تصمیم به یک تذکر هنری  
(نمایشی) گرفتند و خطاب به پیرمرد گفتند: «ما دو نفر  
می‌خواهیم وضو بگیریم. لطفاً شما نظارت و قضاوت کنید  
که وضوی کدام یک از ما صحیح است.»

سپس امام حسن و حسین (علیهما السلام) وضو  
گرفتند. در پایان پیرمرد به اشتباه خود پی‌برد و گفت:  
«وضوی هر دوی شما صحیح است و وضوی من اشتباه  
بود.»

در این داستان به این مسئله‌ی مهم آموزشی و درواقع  
هنری و کاربرد تربیتی آن پی‌می‌بریم که چگونه با حفظ  
حرمت و کرامت انسانی، می‌توان هدایت هنری را اعمال  
کرد.

و یا در قرآن کریم، یک نمایش هنری در ارتباط با  
درخواست **حضرت ابراهیم (ع)** توسط خداوند متعال در  
ارتباط با درخواست حضرت ابراهیم به مشاهده‌ی احیای  
اموات و معاد در روز قیامت صورت می‌گیرد و آن داستان  
ذبح حیوانات چهارگانه و اختلاف گوشت و پوست آن‌ها و  
قرار دادن بر چهار نقطه‌ی کوه است که به فرمان خداوند  
دوباره این چهار حیوان حیات مجدد خود را می‌یابند.  
بنابراین، رسالت هنر تبیین عینی حقایق و رشد و به کمال  
رساندن جوامع انسانی است. غیر این معنی از حیطة‌ی  
هنر خارج است و به بیان **اسکار وایلد:** «هنر کلید فهم  
زندگی است.»

در حقیقت هنر برای نیل انسان به آمال الهی است. به  
همین دلیل خداوند متعال همه‌ی کائنات و کیهان را در  
تسخیر و تصرف انسان و عرصه‌ی تحقیق و تأمل او قرار  
داده است. درواقع، این همه ابزار کمال و رسیدن انسان  
به زندگی و حیات معقول و طیبه است که هدف غایی  
خلقت محسوب می‌شود. همان‌گونه که خداوند در قرآن  
کریم همواره او را به تفکر و جست‌وجوی حقیقت فراخوانده  
است و می‌فرماید:

«فلا ینظرون الی الابل کیف خلقت»

«و الی السماء کیف رفعت»

«و الی الجبال کیف نصبت»

«و الی الارض کیف سطحت فذکر...»

بنابراین، هنر انسان متذکر شدن است و این کمال  
اوست و زیور انسان و به قول **ناصر خسرو:** «هنر زیور بشر  
است و بشر زیور کیهان است.»

قرآن کریم در عصری نازل شد که تنها هنر مرسوم  
رایج در حجاز، شعر سرودن و بلاغت و فصاحت بود و  
این کتاب مقدس به‌عنوان آخرین منشور نورانی الهی،  
درواقع هنری‌ترین اثر هستی است؛ به‌گونه‌ای که معجزه‌ی  
پیامبر (ص) محسوب می‌شود. در آن دوران و همه‌ی ادوار  
آینده، هیچ کس نتوانست و نمی‌تواند چنین کلامی را در  
بعد فصاحت و بلاغت عرضه کند. درقرآن بارها به این نکته  
اشاره شده است تا جایی که می‌فرماید: «اگر همه‌ی جن و  
انس با هم متفق شوند که مانند این قرآن را بیاورند، البته  
نمی‌توانند» و نیز حتی توان یک سوره و آیه را نیز ندارند.  
«فاتوا بسوره من مثله...»

خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید: «ای رسول ما،  
خلق را به حکمت و برهان و با موعظه‌ی نیکو به راه خدا  
دعوت کن و با بهترین طریق مناظره کن...» در این آیه‌ی  
کریمه، سه اصل مهم حکمت، موعظه‌ی نیکو، و جدال  
احسن که هر سه از امور مطبوع عقل و منطوق هستند،  
حمایت و وصایت شده‌اند. در جدال احسن و موعظه‌ی  
نیکو، دقیقاً بر عنصر هنر جذب و جلب مردم برای تربیت  
انسان‌ها تأکید شده و درواقع منظور این است که حرف  
خوب زدن به تنهایی کافی نیست. بلکه حرف خوب همراه  
با خوب حرف زدن مؤثر است و این از بالاترین و والاترین  
کاربردها و رسالت‌های هنر است.